

بادامچیان: مردم خاتمی را قبول ندارند

دبیرکل حزب موتلفه گفت: این احمق‌هایی که عقل‌شان نمی‌رسد که می‌روند آن بالا و می‌گویند مرگ بر دیکتاتور نمی‌فهمند، اولاً دیکتاتوری نیست. تو در نهایت آزادی داری می‌گویی مرگ بر دیکتاتور و خانه‌ات مشخص است. صبح هم می‌خواهی بروی می‌توانند تو را بگیرند، ببرند. در نهایت آزادی شعار می‌دهی، بعد می‌خواهی و صبح هم می‌روی سرکارت. پس آیا اینکه آدم با آزادی بگوید مرگ بر دیکتاتور مسخره نیست؟

به گزارش سایت خبری پرسون، بعد از گذشت چند ماه از ناآرامی‌ها در کشور رهبر انقلاب طی حکمی فرمان عفو صادر کردند. با توجه به اینکه این موضوع در میان اغلب تحلیل‌گران سیاسی با واکنش مثبت مواجه شد، در این ارتباط در خصوص اینکه این فرمان تا چه اندازه می‌تواند در فراگیر شدن آشتی و گفت‌وگوی ملی و همچنین پیوند حاکمیت و ملت تاثیرگذار باشد، ایلنا با اسدالله بادامچیان دبیرکل حزب موتلفه اسلامی گفت‌وگو کرده است که متن کامل آن را در زیر می‌خوانید:

بین حاکمیت و ملت اختلافی نیست

ملت ما با حاکمیت کاملاً همراه است

اگر آقای رئیسی هم نتواند خوب کشور را اداره کند، ملت با کسی قوم و خویشی ندارد

شعار «بازرگان، پیر چریک ایران» را ما ساختیم

رهبری اخیراً فرمان عفو سراسری را صادر کردند. با توجه به اینکه این روزها بین حاکمیت و ملت شکاف به وجود آمده است، این حکم روی احیای پیوند حاکمیت و ملت چه تاثیری می‌تواند داشته باشد؟

حرف شما مطابق با واقعیت نیست. اصلاً بین حاکمیت و ملت اختلافی نیست. علت این است که چه کسی است که آقای خامنه‌ای را قبول نداشته باشد؟ دنیا ایشان را قبول دارند. اما مگر ملت ما آنقدر ناشی است، ملتی که توانسته این انقلاب را اداره کند، چهل و خورده‌ای سال محکم پای آن بایستد، هشت سال جنگ تحمیلی را اداره کند، این همه شهید بدهد؛ این ملت چرا باید با حاکمیت اختلاف داشته باشد؟ این حاکمیت نقاط ضعف داشته باشد مال ملت است و اگر نقاط قوت هم داشته باشد، مال ملت است. رهبری هم رهبری امام است، هیچ جامعه‌ای بدون رهبر نمی‌تواند پیروز شود.

حضرت امیر می‌فرمایند: "لا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ" برای توده‌های مردم از اینکه حکومت داشته باشند، گریزی نیست. همه می‌گویند کشور نیاز به قانون و قانون حکومتی دارد و حکومت بد بهتر از بی‌حکومتی است و قانون بد بهتر از هرج و مرج است. این‌ها موارد عقلایی عالم است. بنابراین ملت ما با حاکمیت کاملاً همراه است. بله با حکومت و دولت‌ها اختلاف دارد، بعضی وقت‌ها هم همین می‌شود یعنی در واقع یک دولتی که بر سر کار می‌آید که مطلق نیست، یک مخالف و یک موافق دارد. اما با رای اکثریت می‌آید. اما این غیر از حاکمیت است؛ حاکمیت یعنی نظام جمهوری اسلامی. این ملت جای نظام جمهوری اسلامی چه می‌خواهد؟ لیبرال دموکراسی غربی می‌خواهد؟ محال است. نظام آمریکایی می‌خواهد؟ نظام انگلیسی می‌خواهد؟ خیر. روشن است اگر کسی با این بدیهیات اشکال دارد، باید فکری برای خودش بکند.

به اضافه اینکه ما الان در سایه این حکومت توانستیم استقلال داشته باشیم. ما نوکر آمریکا نیستیم، مگر کشورهای منطقه تابع آمریکا نیستند؟ مگر شاه نوکر آمریکا نبود؟ اروپایی‌ها الان گرفتار آمریکا هستند، تحریم‌های آمریکا در مورد ایران را نمی‌خواهند و می‌خواهند با ایران ارتباط داشته باشند ولی چرا با آمریکایی‌ها هستند، چون چاره‌ای ندارند و باید با آمریکا همکاری کنند. آن وقت ما در ایران با استقلال و قدرت می‌ایستیم و کار می‌کنیم و این همه کشور را ساختیم. چون سنان قد نمی‌دهد، موقع شاه، تهران آن زمان را یادتان نمی‌آید. می‌خواستیم بروم زنجان، از قزوین که رد شدم تمام آنجا کاشت و سبزه بود، باورم نمی‌شد، چون چند سال به زنجان نرفته بودم برای من جالب بود هیدج یک روستا بود امروز یک شهر آباد شده است. راه‌های ما زمان شاه اینطور بود؟

جاده مازندران به این شکل بود؟ نه اصلاً نمی‌شد بروید. در جاده کاشان که سمت جنوب تهران است، جاده باریکی داشتیم که در هفته چند کشته می‌داد، الان بزرگراه ساختیم. ما ایران‌مان را ساختیم. در پزشکی، ما حرف اول را در منطقه می‌زنیم و پزشک صادر می‌کنیم. افرادی که می‌آیند می‌گویند مهاجرت پزشکان، ما در سال چند هزار پزشک در کشور تربیت می‌کنیم. آنقدر خوب تربیت کردیم که این کشورها پزشکان خوب ما را با پول‌های هنگفت می‌برند. در حزب خودمان ما کارگروه پزشکی داریم، آن‌ها به ما گفتند این پزشکان به امارات رفتند. امارات چند میلیون جمعیت دارد و چقدر پزشک می‌خواهد؟ بعد مگر اشکال دارد بگویند در امارات بهترین پزشک جراح ایرانی است، پزشک قلب و گوارش ایرانی است. این یک افتخار برای ایران است.

الان در لس آنجلس ۲ میلیون ایرانی داریم؛ بعضی‌ها خیال می‌کنند ما خیلی ناراحتیم. خیر ایرانی‌ها فرهنگ ما را به آنجا بردند. اینکه رئیس‌جمهور آمریکا عید نوروز را به ما تبریک می‌گوید در زمان جمهوری اسلامی می‌گوید، یا زمان شاه هم می‌گفت؟ زمان جمهوری اسلامی می‌گوید. چرا؟ چون در

داخل آمریکا خانم ایلهان عمر اخیرا به کنگره آمریکا رفته و از کمیسیون روابط خارجی کنگره او را بیرون کردند، برای چه زن مسلمان را آوردند؟ می‌خواهند اسلام را تقویت کنند؟ حالا ما تبلیغ این خانم را کردیم، بعضی‌ها ناراحت شدند. الان رئیس مجلس بلژیک، ایرانی است، عیبی دارد که یکی از نمایندگان آمریکا یک ایرانی باشد؟ حداقل آنجا می‌نویسند این فرد ایرانی است. ما از نقاط مثبت به این موضوع نگاه نمی‌کنیم. می‌گویند مهاجرت؛ چند هزار پزشک مهاجرت می‌کنند، همین پزشک‌ها هم که می‌روند به آن‌جا می‌گوییم اگر مذهبی هستید غیرت مذهبی‌تان را نگه دارید، اگر مذهبی نیستید غیرت ملی ایرانی‌تان را نگاه دارید.

پس در اولین مساله نه تنها حاکمیت ما جدا از ملت نیست، بلکه با ملت همراه است. اصلا حاکمیت ما حاکمیت ملت است. رهبری یا دیگران با ملت کار می‌کنند، امام هم با ملت کار می‌کرد. صادقانه هم کار می‌کنند. اینکه شما ملاحظه می‌کنید تحلیل نیست، بلکه مردم از همان اول نسبت به مساله دولت‌ها و حکومت‌ها این بحث‌ها را داشتند. در دولت آقای بازرگان اول به او رای دادند بعد دیدند از عهده‌اش برنمی‌آید. ما این شعار را ساختیم که می‌گفت "بازرگان، پیر چریک ایران رهرو راه اسلام" بعد ملت یواش یواش دیدند راهش جداست دارد با امام دعوا می‌کند. گفتیم بابا ملت امام را قبول دارند و امام تو را آورده در نخست وزیری گذاشته است، بعد از آن گفتند "بازرگان پیر خرفت ایران" بعد از آنها حاج احمد آقا به آقای مقصودی ما زنگ زد گفت امام می‌فرمایند که به آقای بازرگان چیزی نگویید. بعد از آن آقای بنی‌صدر آمد رئیس‌جمهور این کشور و جانشین فرمانده کل قوا شد. بعد چه کار کرد؟ زمانی که معلوم شد که او وابسته است، با هواپیمایی که توسط آمریکا مسیرش را تا فرانسه باز گذاشته بودند، رفت پاریس. با چه کسی در رفت؟ با کشمیری، رجوی، کلاهی، ابریشم‌چی و معزی خلبان شاه فرار کرد. بنابراین ملت از این افراد هم برگشتند.

آقای هاشمی در بازسازی بعد از جنگ خیلی به کشور خدمت کرد. آن زمان ما نه دلار داشتیم نه هیچ چیزی، اما ایشان زحمت کشید ۴۸ میلیارد دلار از اروپا قرض گرفت و بعد آن‌ها را مجبور کرد، برای آنکه پولشان وصول شود با بهره کم به ما پول بدهند. به راستی زحمت کشید. اما مردم به علت گرانی‌هایی که حاصل از مسیر بازسازی بعد از جنگ است، کارشان به جایی رسید که برای انتخاب دولت بعدی به آقای ناطق رأی ندادند، به آقای خاتمی رأی دادند. اول هم خیال کردند آقای خاتمی می‌آید کاری می‌کند بعد دیدند این آقایان پیام دوم خرداد شدند و ۷ هزار مدیر را بیرون کردند و گفتند شما پیام دوم خرداد را نفهمیدید که مسخره بود. بعد از دو دوره به جای اینکه به آقای هاشمی رأی بدهند، به احمدی‌نژاد رأی دادند که ضد آقای خاتمی بود. شعارهای او هم غیر از آن بود. بنابراین مساله مهم اینجاست که این انتخاب ملت است. بعد از آن هم به آقای روحانی رأی دادند، بعد هم آمدند از آقای روحانی گذشتند و وقتی دیدند دولت او کارها را خراب کرده و نتوانسته کاری انجام دهد، نتیجه این شد که به آقای رئیسی رأی دادند. اگر آقای رئیسی هم نتواند خوب کشور را اداره کند، ملت با کسی قوم و خویشی ندارد.

آیا شورای نگهبان باید کوتاه بیاید تا مشارکت مردم زیاد شود؟

در انتخابات ۱۴۰۰ که آقای رئیسی پیروز انتخابات شد، آیا فکر نمی‌کنید گرایش‌ها و جریان‌های سیاسی مختلف به شکل حداکثری در انتخابات وجود نداشت؟

نه. آقای همتی و مهرعلیزاده هم بودند. من به شما بگویم افرادی که خیال می‌کنند شورای نگهبان می‌آید انتخابات را مهندسی می‌کند. این کار را نمی‌کند. شورای نگهبان وظیفه‌اش یک چیز است؛ آیا شورای نگهبان باید کوتاه بیاید تا مشارکت مردم زیاد شود؟ می‌گویم وظیفه شورای نگهبان احراز صلاحیت است. اینکه در انتخابات مشارکت پیدا می‌کند و نمی‌کند به شورای نگهبان ربطی ندارد. در قانون اساسی به شورای نگهبان این اختیار داده شده که اگر کسی می‌خواهد در انتخابات رئیس‌جمهور یا نماینده شود باید صلاحیت داشته باشد. نمی‌شود کشور یا مثلا اختیار معاهدات بین‌المللی را به دست کسانی بدهیم که صلاحیت ندارند. بنابراین شورای نگهبان دو کار هم بیشتر ندارد یا احراز صلاحیت می‌کند یا احراز صلاحیت نمی‌کند.

این قسمت دو بخش دارد؛ عدم احراز صلاحیت یعنی نمی‌دانم صلاحیت دارد یا نه، تاییدش نمی‌کند. این تایید نکردن محکومیت نیست. یک بخش دوم آن طرف محکومیت دارد، یعنی از لحاظ قانون نمی‌تواند، آن کارش راحت است. بنابراین شورای نگهبان ربطی به صلاحیت داشتن و نداشتن ندارد.

یک آدم عادل هم جفا می‌کند

آقا فرمود در حق آقای لاریجانی جفا شده و شورای نگهبان هم گوش داد

آیا در این دوره از انتخابات در حق کسی جفا شد؟

یک آدم عادل هم جفا می‌کند. آقا فرمود در حق آقای لاریجانی جفا شده و شورای نگهبان هم گوش داد.

دیگر باید از این حالت جناح‌بندی بیرون بیاییم

آیا نمی‌شد در همان انتخابات جبران کرد؟

من نمی‌دانم. این را باید از شورای نگهبان پرسید. می‌دانید که ما برای سالگرد مرحوم عسکراولادی از آقای لاریجانی دعوت کردیم، در هفته‌های گذشته هم برای سالگرد آقای حبیبی جلسه داشتیم، از آقای حداد دعوت کردیم. بگذارید یک چیزی را به شما بگویم. من معتقدم دیگر باید از این حالت جناح‌بندی بیرون بیاییم. یک گروه اصلاح طلب یک گروه اصولگرا، چرا؟ شما مگر در این کشور زندگی نمی‌کنید؟ سلیقه‌ات این است، پس سلیقه‌ات را در چارچوب قانون اساسی و چارچوب نظام جمهوری اسلامی ولایی انجام بده، من هم همینطور. هروقت هم خواستیم با هم بنشینیم حرف بزنیم و گفت‌وگو کنیم.

شما قبلا بحث آقای خاتمی را مطرح کردید. من که با آقای خاتمی دعوا نکردم. نصیحت هم کردیم. نامه‌ای برای روزنامه شرق نوشتم که چهار نامه را

چاپ کرده، در نامه چه نوشتیم؟ ۷ نامه در حزب موتلفه نوشتیم، آن‌ها ۳ تا را جواب دادند، بقیه را جواب ندادند. چرا این کار را می‌کنیم؟ زیرا کشور برای همه است، ما شعار ایران برای ایرانی‌ها را اجرا می‌کنیم. اما این افراد می‌گویند، هرکسی پیام دوم خرداد را نفهمیده باید برود کنار. من اسامی ۸۰۰ و خورده‌ای از مدیران را نوشتم که جایگزین شدند. در اینجا هم آقای رحمانیان نوشت که آقایان دوران حذف گذشته است. من می‌گویم چه کسی می‌خواهد تو را حذف کند؟ تو خودت را حذف می‌کنی. تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز! بیا یک شکلی رفتار کن که نشود. وگرنه چرا همین الان آقای خاتمی نمی‌تواند بین مردم حضور پیدا کند؟ زیرا مردم او را قبول ندارند. چه خوشمان بیاید چه بدمان بیاید.

من با پدرش مرحوم روح‌الله و با خودش رفیقم. هنوز عکس‌هایی را که او را به حزب موتلفه دعوت کردیم وجود دارد که با هم می‌خندیم، دعوا که نداریم. اما آقای خاتمی کاری کرده که من نمی‌توانم او را به شورای مرکزی حزب دعوت کنم. آقای خاتمی کاری کرده که نمی‌تواند در توده مردم حضور داشته باشد. رهبری در مجمع تشخیص مصلحت آقای مجید انصاری اصلاح طلب را انتخاب می‌کند چرا آقای خاتمی را نمی‌تواند، بگذارد؟ احمدی‌نژاد را می‌گذارد، اما خاتمی را نمی‌گذارد. چون آقای خاتمی یک کاری کرده که نمی‌شود. آقای خاتمی برگردد و خودش را اصلاح کند. آقای میرحسین موسوی که بیانیه می‌دهد، آب در آسیاب دشمن می‌ریزد و بنزین روی آتش اغتشاشات می‌ریزد، می‌شود او را قبول کرد؟ نه نمی‌شود او را قبول کرد.

مگر دورانی که این‌ها آمدند اغتشاش کردند، ناآرامی بود؟

برخی از سران حاکمیت به طور مشخص آقایان قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و همچنین آقای وحیدی وزیر کشور در همین مدت اخیر، اعلام کردند اگر وضعیت آرام شود می‌توانیم اصلاحاتی را داشته باشیم. با وجود آنکه وضعیت آرام است و رهبری هم فرمان عفو عمومی را صادر کردند، الان شرایطی فراهم است تا اصلاحاتی در ساختار سیاست‌های کلی کشور ایجاد شود؟

من نمی‌دانم اصطلاح عفو عمومی چیست. یک زمانی است که یک اغتشاشی در کشور رخ داده و یک گروه اراذل و اوباش و یک گروه فریب‌خورده، وارد صحنه شدند. در نتیجه این اغتشاش معلوم شد که از طرف غرب است. همه طراحی آن را آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها کردند و حامیان هم همین کشورها بودند. چه موضوعی باعث شد که حالا برگردیم و این بحث‌ها را بکنیم؟ برای آن اصلاحاتی هم که شما می‌فرمایید، مگر وضع ناآرام بوده؟ مگر دورانی که این‌ها آمدند اغتشاش کردند، ناآرامی بود؟

در نهایت آزادی می‌گوید مرگ بر دیکتاتور

* بالاخره یک اعتراضاتی شکل گرفت.

اغتشاش شکل گرفت. دقیقاً نگاه کنید من چه می‌گویم. کلمه اعتراض را متأسفانه بخش افراطی اصلاح‌طلبان به کار بردند و یک عده هم متوجه نبودند و همان کار را کردند. این اعتراض نقشه همان فتنه ۱۴۰۱ است. یعنی دقیقاً اغتشاش را شروع می‌کنند. خیلی از اصلاح‌طلبان هم به صحنه نمی‌آیند. آیا اینکه افراد بروند پشت‌بام خانه‌شان مرگ بر دیکتاتور بگویند درست است؟ آیا واقعا این درست است؟ چرا نظام جلوی این افراد را نمی‌گیرد؟ می‌گذارد تا رسوا شوند. این‌ها رسوایی است، طرف در داخل منزل خودش نشسته، آب، برق و گاز برقرار است. امنیت هم توسط نیروی انتظامی که به او حمله می‌کند، برقرار است، امنیت کامل توسط سپاه، بسیج و ارتشی که هر روز جلوی داعش را می‌گیرد برقرار است، بعد در نهایت آزادی می‌گوید مرگ بر دیکتاتور. اما بعد هم معلوم می‌شود چند نفر بیشتر نیستند.

بنابراین این احمق‌ها عقل‌شان نمی‌رسد که می‌روند آن بالا و می‌گویند مرگ بر دیکتاتور نمی‌فهمند، اولاً دیکتاتوری نیست. تو در نهایت آزادی داری می‌گویی مرگ بر دیکتاتور و خانه‌ات مشخص است. صبح هم می‌خواهی بروی می‌توانند تو را بگیرند، ببرند. در نهایت آزادی شعار می‌گویی، بعد می‌خواهی و صبح هم می‌روی سرکارت. پس آیا اینکه آدم با آزادی بگوید مرگ بر دیکتاتور مسخره نیست؟ مساله دوم اینکه معلوم شد تعداد خیلی کم است. سوال شما چه بود؟

هرجا نقضی وجود دارد، اصلاحات یک امر دائمی است

در گام دوم انقلاب حتماً به بازنگری در قانون اساسی نیاز داریم

سوالم این بود که آیا فرصتی است که بتوانیم بعد از آرام شدن این وضعیت اصلاحات ساختاری را انجام دهیم؟

من می‌گویم اصلاحات به معنای اصلاحات نه به معنای اصلاحات طلبان. اگر هرجا نقضی وجود دارد، اصلاحات یک امر دائمی است. همین انسان که در مسیر تکامل نمی‌تواند بدون اصلاح بماند. اینکه ما می‌گوییم فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَوْيَكُمُ...؟ ما هرجا نقص پیدا می‌کنیم، باید آن نقض را اصلاح کنیم. اصلاً مجلس برای چیست؟ مجلس برای این نیست که قانون‌ها ثابت باشند. مجلس برای اصلاحات دائم به وجود آمده است. قانون را هم اصلاح می‌کنند. بنابراین اینکه ما منتظر آرام و غیرآرام بودن باشیم، درست نیست. همیشه اصلاحات وجود دارد، الان هم هست.

من اعتقاد دارم ما در گام دوم انقلاب حتماً به بازنگری در قانون اساسی نیاز داریم. اما نه حرفی که این آقایان می‌زنند. این‌ها قانون اساسی غرب‌زده را می‌خواهند. ما در بعضی از موارد نیاز به تکامل قوانین موجود داریم همچنان که امام در زمان خود بازنگری را انجام داد و دو ریاستی در قوه‌مجریه را از بین برد یعنی نخست‌وزیری و رئیس‌جمهوری که بعدها متوجه شدند دو رئیسی ضرر دارد و این قانون را عوض کرد. همان موقع من به احمدآقا نامه‌ای دادم که این نامه را به امام بدهید، چند مورد دیگر هم وجود دارد که باید اصلاح شود و ایشان وقتی نامه را خواندند خندیدند و فرمودند به فلانی بگویید بله درست است، اما الان موقعش نیست. الان باید همین‌ها را انجام دهیم.

واقعیت این است که اگر در گام دوم انقلاب می‌خواهیم جامعه نمونه‌ای داشته باشیم، باید بررسی کنیم و ببینیم اشکالات مان چیست. نیاییم با

دولت‌های قبلی دعوا کنیم. اگر الان دولت آقای روحانی را نقد می‌کنم نمی‌خواهم با آقای روحانی دعوا کنم. ایشان ۸ سال رئیس‌جمهور بودند و احترام او هم لازم است. اما یک نکته مهمی است که می‌خواهیم با اشتباهات او چه کنیم؟ ارز را یک مرتبه از ۳ هزار تومان، ۳۰ هزار تومان کردند.

بنابراین به شما بگویم مگر در انتخابات مجلس گذشته انواع و اقسام آدم‌ها و جریانات سیاسی نبودند؟ اینکه بعضی‌ها می‌گویند شورای نگهبان باندي عمل می‌کند در دوران همین شورای نگهبان مجلس سوم و ششم را داشتیم و درست رفتند داخل بهارستان. در همین مجلس یازدهم چند اصلاح‌طلب داریم؟ تعدادشان کم شده، چون مردم به آن‌ها رأی ندادند. من چه کنم که آقای مجید انصاری که چهره شناخته شده مجمع تشخیص، چون اصلاح‌طلب است مردم زیر ۱۰۰ هزار نفر به او رأی دادند.

بنابراین ما می‌توانیم با هم کار کنیم به شرطی که اصلاح‌طلبان در جهت قدرت‌طلبی برنیایند. از طرف دیگر هم ما را حذف نکنند. ببینید در دوران ۸ ساله آقای خاتمی ما حذف بودیم. سندش را هم بگویم؟ ما با آقای عسکراولادی رفتیم دیدن ایشان. آقای خاتمی گفتند خواهش من این است که شما کسانی که می‌توانند کار کنند را به من معرفی کنید. گفتم آقای خاتمی این را از ما نخواه، هرکسی از بین ما خوب بود، ببر. گفت خواهش من این است که شما بنویسید. گفتم ببینید شما اگر خودت هم بخواهی بگذاری، دار و دسته‌ات نمی‌گذارند. گفت خواهش می‌کنم، بنویس. من یک نامه نوشتم ۵ نفر را معرفی کردم و گفتم این ۵ نفر آدم‌هایی هستند که شما هرجایی بخواهی می‌توانی استفاده کنی، یک نفرشان را که نگذاشت هیچ، دو نفری هم که سرکار بودند را برکنار کرد.